



بررسی اختلالات خلقی در یادگیری دانش آموزان مدارس امام خمینی و ولیعصر مقطع ابتدایی شهرستان قائنات

سجاد رضاپور^۱، معصومه دیمه کار^۲، زهرا عرب^۳

۱- دانش آموخته مهندسی کامپیوتر دانشگاه صنعتی خواجه نصیرالدین طوسی تهران

۲- دانش آموخته علوم تربیتی تربیت معلم بنت الهدی فردوس- آموزگار مقطع ابتدایی

۳- دانش آموخته علوم تربیتی دانشگاه پیام نور مرکز قائنات - آموزگار مقطع ابتدایی

چکیده

هدف پژوهش حاضر به منظور تعیین شیوع اختلالات رفتاری در میزان یادگیری دانش آموزان مقطع ابتدایی شهرستان قائنات است. در این پژوهش که به شیوه کتابخانه ای و مصاحبه و پرسشنامه و تبادل نظر با دبیران، کارشناسان و سرگروه های آموزشی دروس مختلف تهیه گردیده، سعی شده با توجه به ضعف آموزش و پرورش خصوصاً دوره ابتدایی آسیب های وارده ناشی از نقایص تاریخی و سنتی و آسیب های برآمده از پدیده جهانی شدن که مبین این واقعیت است که مدارس کشور جوشش حقیقی، علمی، تحقیقی لازم، شادابی های انسانی و روابط دوستانه و صمیمانه بین معلمان و دانش آموزان را ندارد و تنها با گذراندن تعالیم بی روح روزمره با موارد از پیش تعیین شده بسنده کرده است. دوران کودکی از مهم ترین مراحل زندگی است. اغلب اختلالات رفتاری ناشی از کمبود توجه به دوران حساس کودکی است. کسب اطلاعات در زمینه وسعت و شیوع اختلالات رفتاری کودکان و عوامل زمینه ساز آن بهم منظور ارتقاء خدمات روانشناسی و ایجاد معیارهای پیشگیری کننده در زمینه سلامت ذهنی و روانی کودکان اساسی است. شیوع اختلالات رفتاری در کودکان حاضر در این پژوهش در مقایسه با سایر مطالعات مشابه کمتر گزارش شد؛ که اختلاف موجود در نتایج مطالعات مختلف را میتوان به تفاوت در شرایط خانوادگی، فرهنگی، روانی و اجتماعی حاکم بر زندگی کودک تعریف و به جوامع مورد بررسی ارتباط داد. با توجه به اینکه سطح معناداری $t=5.85, p<0.05$ کمتر از 0.05 است، بنابراین می توان گفت جو خانوادگی تاثیر مثبت و معناداری بر اختلالات خلقی کودکان دارد و فرضیه پژوهش تایید می شود. با توجه به اینکه سطح معناداری $t=8.41, p<0.05$ کمتر از 0.05 است، می توان گفت شرایط مدرسه تاثیر مثبت و معناداری (در حد متوسط) بر اختلالات خلقی کودکان دبستان دارد و فرضیه پژوهش تایید می شود.

واژگان کلیدی: اختلالات خلقی، میزان یادگیری، مقطع ابتدایی، شهرستان قائنات، سلامت ذهنی